



Received:
2025/02/28

Revised:
2025/04/26

Accepted:
2025/09/10
p.p:149-176

ISSN:2717-3682
E-ISSN:2717-3690



The Evolution of Military Thought in the World

Balkhi, Mohammad ✉¹ | Davoud, Aghamohammadi²

Abstract

The main objective of this research is to examine the evolution of military thought in the world, which has been influenced by culture, technology, and social conditions in shaping military approaches. This evolution has continued, and with global changes, there is a growing need to revise military strategies and approaches. Ultimately, understanding this evolution can contribute to a better analysis of global developments and help predict the future. The trajectory of thought in ancient times, where the main factors driving the emergence of military thought were maintaining security, ensuring survival, acquiring spoils, dominating territories, and expanding empires, was influenced by war and the ideas of thinkers such as Sun Tzu (The Art of War). Subsequently, with the production of weapons and the formation of armies, domination over societies increased. On the other hand, the influence of religion, the Crusades, and civil wars in Europe, as well as the influence of Islam on Western societies, contributed to the decline of the Church and the Renaissance, thereby fostering the flourishing of military thought. With technological advancements and the development of weaponry during World War I and World War II, as well as the necessity of war, the objective of war has always been to defeat the enemy or disarm them (von Clausewitz). Moreover, in the contemporary era, weapons of mass destruction, asymmetric warfare, terrorism, and nuclear strategy have engaged the human mind, along with the flourishing of Heartland military thought, sea power, and Kissinger's strategy (flexible response), psychological warfare, and soft warfare. This research is applied in nature. The research method is descriptive-analytical with a qualitative approach. The data collection tools are library-based and note-taking.

Keywords: Thought, Military Thought, World, Ancient

1. Faculty Member, Imam Hossein Officer and Guards Training University, Tehran, Iran ✉ 2005balkhi@gmail.com

2. Faculty Member, Command and Staff University of the Army (DAFOOS), Tehran, Iran





«سیر تحول اندیشه نظامی در جهان»

بلخی و ...



سیر تحول اندیشه نظامی در جهان

بلخی، محمد^۱ | آقامحمدی، داود

چکیده:

هدف اصلی این تحقیق بررسی سیر تحول اندیشه نظامی در جهان بوده که متأثر از فرهنگ، فناوری و شرایط اجتماعی بر رویکردهای نظامی است. این تحول همچنان ادامه داشته و با تغییرات جهانی، نیاز به تجدیدنظر در استراتژی‌ها و رویکردهای نظامی احساس می‌شود. در نهایت، درک این سیر تحول می‌تواند به تحلیل بهتر تحولات جهانی و پیش‌بینی آینده کمک کند. سیر اندیشه در دوران باستان که عامل اصلی پیدایش اندیشه نظامی، حفظ امنیت، حفظ بقا، غنیمت، سلطه بر سرزمین‌ها و گسترش امپراتورها است که متأثر از جنگ، اندیشه اندیشمندانی همچون سن تزو (هنر جنگ) و سپس با تولید سلاح و ایجاد لشگرها که سلطه بر جوامع بیشتر شده است. از سوی دیگر تأثیر مذهب، جنگ‌های صلیبی و جنگ‌های داخلی در اروپا همچنین نفوذ اسلام در جوامع غربی عامل رکود کلیسا و رنسانس و باعث شکوفایی اندیشه نظامی شده است. با پیشرفت فناوری و پیشرفت تسلیحات در جنگ جهانی اول و دوم، همچنین ضرورت وجود جنگ و هدف جنگ همیشه باید غلبه بر دشمن یا خلع سلاح او (فون کلاوزویتس) و از طرفی در دوران معاصر سلاح‌های کشتار جمعی، جنگ‌های نامتقارن و تروریسم و استراتژی هسته‌ای شکوفای اندیشه نظامی هارتلند، قدرت دریایی و استراتژی کیسینجر (واکنش انعطاف‌پذیر) نبرد روانی و جنگ نرم ذهن بشر را به خود مشغول ساخته است. این تحقیق کاربردی است. روش تحقیق توصیفی تحلیلی با رویکرد کیفی خواهد بود. ابزار گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای، فیش‌برداری است

واژگان کلیدی: اندیشه، اندیشه نظامی، جهان، باستان

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)، تهران، ایران 2005balkhi@gmail.com

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش (دافوس)، تهران، ایران





مقدمه

این چیزی که امروز به عنوان دانش نظامی در دنیا وجود دارد متعلق به یک ملت خاص و دولت خاص و یک جناح خاص نیست این ذخیره تمدن و فرهنگ طولانی بشر است.^۱

تاریخ تفکر زمان پیدایش انسان، جامعه و حکومت، حقانیت آن را اثبات می‌کند و انسان مدرن که خود محصول قرن‌های پرتلاطم گذشته است، بارشد و معرفت‌شناختی که در عرصه‌های مختلف کسب نموده و از جمله آن‌ها شناخت علوم نظامی است که برای کسب موفقیت و سازمان‌دهی منسجم‌تر نیروها در صحنه جنگ و مسابقات تسلیحاتی و فناوری‌های جدید باید به منصفه ظهور برساند و تاریخ اندیشه نظامی عبارت از پیشینه کوشش‌های که در طول قرن‌ها و اعصار گذشته مصروف پاسخ به این پرسش اساسی شده است که چگونه دولت و حکومت را در مقابل تهدیدات خارجی و بحران‌های داخلی حفظ کرد و بر دشمن پیروز شد؟ هرچند برخی از این پاسخ‌ها به مدت چند قرن، نفوذ خود را حفظ کرده اما به جرأت می‌توان بیان کرد هیچ پاسخ اولیه در اذهان باقی نمانده است و در طول زمان دست خوش تغییرات شده است. از طرفی مطالعه اندیشه‌های نظامی مکتب‌های مختلف کمک شایانی به شناخت و آگاهی از اندیشه نظامی کشورها می‌نماید و شناخت مبانی نظری نهفته در آثار برجسته نظامی موجب درک عمیق‌تر از ریشه‌های رفتار نظامی کشورها می‌گردد. چنین درکی، پشتوانه تفسیری عقلایی از روابط مبتنی بر رقابت و منازعه بوده، تحلیل وضعیت صحنه‌های محتمل جنگ و رقابت را تسهیل می‌نماید. بر این اساس، لازم است که برای شناخت ماهیت و هویت و مبانی فکری و خاصه مبانی حاکم بر سیاست‌های نظامی جهان که کشورها و اندیشمندانی که در سیر تحول اندیشه نظامی تلاش زیادی انجام داده‌اند به آن پرداخته شود؛ لذا با توجه به مطالب اشاره شده این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال است که سیر تحول اندیشه نظامی در جهان چگونه است؟

در این پژوهش به دلیل گستردگی حوزه زمانی و مکانی مورد بحث و تکیه به ادوار تاریخی به طور کلی، تاریخ اندیشه نظامی در چهار دوره مورد بررسی قرار می‌گیرد که عبارت است از:

۱. دوره باستان: شامل تمدن‌های باستانی بین‌النهرین، مصر، ایران، چین، هند، یونان و روم (تا پنج قرن اولیه میلادی)؛
۲. دوره قرون وسطی (از سال ۵۰۰ م تا سال ۱۵۰۰ م)؛

۱. امام خامنه‌ای، ع، دیدار جمعی از فرماندهان سپاه، ۱۳۷۰/۰۶/۲۷



۳. دوران جدید (از پایان قرن وسطی و پیدایش رنسانس در اروپا حدود سال ۱۵۰۰ م تا انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۷ م)؛
۴. دوران معاصر: از انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۷ م تا پایان قرن بیستم میلادی (جمشیدی: ۱۳۸۳، ۴۴).

اهمیت

با انجام این پژوهش دستاوردهای زیر حاصل می شود:

۱. افزایش آگاهی، شناخت تجارب نظامی و از همه مهم تر اندیشه نظامی متفکران گذشته به عنوان راهگشایی برای آینده اندیشه نظامی؛
۲. درک مناسب نظریه ها و اندیشه های ارائه شده در حوزه نظامی (جنگ، صلح، استراتژی، دفاع) اندیشمندان و صاحب نظران در این حوزه؛
۳. اندیشه های متفکران در طول تاریخ به عنوان راهنما برای فرماندهان و استراتژیست ها قرار بگیرد؛
۴. با مطالعه و بررسی اندیشه های گذشتگان به ماکمک می کند که در امور خود صاحب نظر بشویم.

ضرورت

در صورت انجام نشدن این تحقیق موارد زیر متصور می شود:

۱. در صورت انجام نشدن چنین پژوهشی، فرماندهان و تصمیم گیران در سطح راهبردی به دلیل بهره نگرفتن از تجارب و درس آموخته های گذشته در تصمیم گیری دچار غفلت می شوند؛
۲. براساس اندیشه های نظامی گذشته، امکان غافلگیری در آینده بسیار بالاست.

روش تحقیق

این تحقیق از حیث نوع کاربردی بوده و به روش توصیفی، تحلیلی انجام شده است. روش گردآوری مطالب و اطلاعات مورد نیاز از طریق مطالعه منابع کتابخانه ای اعم از کتاب ها، مجله ها و مقالات، پایان نامه ها و رساله های نوشته شده در خصوص موضوع پژوهش و مباحث مرتبط با آن است. در این پژوهش از ابزارهای فیش برداری برای گردآوری اطلاعات، از روش توصیفی مبتنی بر تفکر و استدلال و تحلیل عقلانی برای تجزیه و تحلیل اطلاعات استفاده شده است.



پیشینه تحقیق:

۱- خونساری نژاد، احسان (۱۴۰۰) در مقاله خود در نشریه مطالعات باستان شناسی به «استراتژی نظامی در امپراتوری ساسانی» به روش توصیفی - تطبیقی - تحلیلی پرداخته است. نتایج نشان دهنده کارآمدی انواع استراتژی و تاکتیک‌های ساسانیان در ادوار اولیه و میانه این حکومت است؛ اما خطاهای استراتژیک برخی پادشاهان در اواخر دوران ساسانی و چند سده پافشاری در ادامه و تکرار استراتژی کلان موجبات تضعیف حکومت را فراهم آورد.

۲- عسگری، محمود در پژوهشی با عنوان «ویژگی‌ها و مؤلفه‌های کلیدی اندیشه نظامی امام خامنه‌ای» به این نتیجه می‌رسد که اندیشه نظامی مقام معظم رهبری علیه السلام مجموعه‌ای کامل از اصول و مبانی دینی، ارزشی، ویژگی‌های مردم‌شناختی و جامعه‌شناسی و اصول برآمده از تجربه‌های علمی دهه‌های اخیر به ویژه دوران دفاع مقدس است.

۳- حاجی نژاد، امین؛ انصاری، مهدی و حاتمیان فر، محمدرضا در مقاله «بررسی اندیشه‌های دفاعی امام خامنه‌ای علیه السلام» اظهار می‌دارند که نقش فرماندهی اندیشه‌ها مربوط به آن جزء امور مهم در نیروهای مسلح می‌باشد و نتایج نشان دهنده مبانی اندیشه نظامی کل قوا برگرفته از مبانی نظری مکتب اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم است که زیرساخت پایدار همه ابعاد نظام اسلامی و نهادهای آن من جمله نیروهای مسلح است. اندیشه نظامی بیان‌گر جهان‌بینی و اعتقاداتی است که اساس عمل فردی و همگرایی و مشارکت اجتماعی و هم‌افزایی سازمانی را در جامعه نیروهای مسلح تشکیل می‌دهد.

۴- هوشمند میرفخرائی پژوهشی با موضوع درآمدی بر سیر تحول اندیشه استراتژی انجام داده است. نتایج نشان دهنده تأکید بر نقاط عطف تاریخی و تأکیدات اصلی در اندیشه استراتژی از جنبه دفاعی (نظامی) است. فرض بر این است که صرف‌نظر از وجوه افتراق میان کشورها و خط‌مشی‌های سیاسی - نظامی آن‌ها، این سیاست‌ها (و بالطبع مطالعات در مورد آن‌ها) مشابهت‌های بسیاری دارند.

۵- مجید اسدی، علی فاطمی نسب و جواد سلطانیان (۱۴۰۱) در پژوهشی به «تبیین مبانی فکری اندیشه نظامی غرب» پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش مبین این است که «تسلط بر منابع و نقاط راهبردی جهان و مداخله نظامی جهت حفاظ از منافع» به عنوان مبانی فکری اندیشه نظامی غرب هستند که منبعث از ماتریالیسم می‌باشند.

۶- آوی کوپر (۲۰۱۰) در مقاله خود با عنوان «عناصر سازنده اندیشه نظامی» تلاش می‌کند با مددگیری از تاریخ تحلیل تأثیر عواملی که در ساختن اندیشه نظامی اندیشمندان نظامی مشهور نقش مؤثر داشته‌اند، اصول و عناصری را انتزاع نماید. این روش باعث شده که نویسنده ضمن نمونه‌های خود فشرده‌ای از سیر اندیشه نظامی را از ابعاد مختلفی نظیر بازه‌های زمانی جنگ‌ها در طول تاریخ، جنبه‌های حقوقی جنگ، اقلیم‌های فکری در حوزه نظامی، دانش‌گرایی، فناوری، اخلاق در جنگ، تأثیر مکاتب فکری بر اندیشه نظامی شرایط راهبردی (استراتژیک) هر کشور، انگیزه‌های فردی تعصبات ذهنی بررسی قرار دهد.

۷- حامدی و باقری (۱۴۰۰) در مقاله خود با عنوان «مطالعه تطبیقی دانش اندیشه نظامی» در دانشگاه‌های کشورهای منتخب شامل دانشگاه دفاع ملی، دانشگاه ستاد مشترک، دانشکده نظریه‌پردازی نظامی، دانشگاه عمومی فلسفه، دانشکده مطالعات بین‌الملل، دانشگاه جورج میسون، دانشگاه علوم سیاسی پورتلند و دانشگاه جنگ کونیپیاک از کشورهای ایالات متحده و همچنین دانشگاه دفاع ملی فنلاند، دانشگاه دفاع ملی چین عناصر آموزشی رشته تحصیلی اندیشه نظامی را احصا نموده که مهم‌ترین ابعاد این رشته عبارت‌اند از: بررسی سیر تاریخی رویدادهای مهم نظامی جهان، نظریه‌های برجسته نظامی غرب و شرق، بررسی مبانی اندیشه‌های نظامی افراد برجسته، فلسفه مفاهیم نظامی، مبانی جنگ از منظر مکاتب دینی و غیر دینی.

مبانی نظری

اندیشه

درفر هنگ فارسی معین اندیشه؛ تفکر، تأمل، بیم و اضطراب معنی شده است (معین؛ ۱۳۶۲؛ ۳۷۷/۱). اندیشه در لغت به معانی تأمل (ابن منظور؛ ۱۴۰۸، ۳۷/۱۰)، فکر، گمان، ترس، بیم، اندیشه کردن؛ فکرکردن، خیال کردن، احساس ترس و بیم کردن (دهخدا؛ ۶: ۳۸۷؛ عمید ۱۳۶۰؛ ۱: ۲۴۷) آمده است. «اندیشه» واژه‌ای است فارسی که معادل عربی آن «الفکر» یا «التفکر» است. این واژه در عام‌ترین معنا عبارت است از هر نوع تفکر و منظور از تفکر تلاش و کوششی است که انسان صاحب عقل و به تعبیر فلاسفه حیوان ناطق می‌تواند در جهت رسیدن به مقصود یا مقصدی انجام دهد، بدین معنا که انسان



می‌تواند ذهن خود را به کار اندازد و از دانسته‌ای به نادانسته یا مجهولی برسد. الفکر ترتیب امور معلومه للتأدی الی مجهول (خوانساری ۱۳۷۷: ۱۱).

«اندیشه» در لغت اندیشیدن، تأمل کردن، تفکر کردن و به طور کلی اعمال ذهن انسان است. به لحاظ وجود شناسی و منطقی نیز «اندیشه» و «فکر» بیانگر هر نوع کنش ذهنی فعال انسان صاحب عقل است. به بیان دیگر، اندیشه یعنی «هرگونه تلاش فکری منسجم، مبنادار، مستدل و مهم و دارای چارچوب نظری»؛ بنابراین اندیشه دارای انواع و شعب گوناگونی است مثل «اندیشه سیاسی»، «اندیشه اقتصادی»، «اندیشه فرهنگی»، «اندیشه نظامی» و... (جمشیدی، ۱۳۸۳: ۲۸). اندیشه و تفکر فرایندی است که در آن عقل به عنوان ابزار محوری به کار می‌رود و ذهن با مرور معلومات، دانش‌ها و شهود در جستجوی کشف یک مجهول، حل مسئله و افق‌گشایی آینده است. در حقیقت انسان هرگاه با بهره‌گیری از دانش‌های موجود در نزد خود، به یاری ابزار عقل بکوشد تا مجهول و ناشناخته‌ای را حل کند، تفکر کرده و اندیشه ورزیده است (رشید زاده، ۱۳۸۹: ۵). اندیشه همان فکر کردن و تأمل و تفکر عقلانی داشتن است که برای شناخت به کار رفته است. همچنین به عقیده‌ای که عقل پس از بررسی بدان دست یابد، اندیشه اطلاق شده است. مراد از عقیده نیز اعتقادات و باورهایی است که شخص نسبت به آن‌ها دل‌بستگی دارد (سلامی و یدالهی، ۱۳۹۶: ۱۰) و هرگونه تفکری را که به لحاظ منطقی منسجم و دارای مبنا و چارچوب بوده و موجه و مهم باشد اندیشه می‌نامیم.

پس اندیشه به لحاظ معرفت‌شناسی و تاریخی از پنج ویژگی زیر برخوردار است:

۱- منسجم بودن ۲- مبناداری ۳- چارچوب نظری داشتن ۴- مستدل و موجه بودن ۵- مهم بودن.





این ویژگی‌های اندیشه به شرح زیر هستند:

- ۱- **انسجام منطقی:** منظور از انسجام منطقی این است که تمام اجزای یک اندیشه با هم دارای ارتباط منطقی بوده، به گونه‌ای که هر یک دیگری را تکمیل نماید و به کلیت اندیشه نظم و نسق دهد.
- ۲- **چارچوب یا حدود عقلانی:** انسجام منطقی به تنهایی نمی‌تواند عامل تمایز یک اندیشه - به معنای دقیق کلمه - از هرگونه فکر یا فعالیت ذهنی دیگر باشد، بلکه نیاز به حدود مرز عقلی و معقول دارد. یعنی اندیشه تفکری است که آغاز و پایانی دارد. از جایی شروع می‌شود و به جایی دیگر ختم می‌گردد.
- ۳- **قابلیت استدلال (عقلانی بودن):** یکی دیگر از خصوصیات و ویژگی‌های «اندیشه» به مفهوم خاص این است که بتوان به لحاظ عقلانی و منطقی آن را مورد دفاع قرار داد و به اصطلاح امروزی بتوان به «توجیه» آن پرداخت.
- ۴- **مبناداری:** چهارمین مشخصه یک «اندیشه» به لحاظ معرفت‌شناسی «مبناداری» است. منظور از «مبنا» اصل یا اصول اولیه عقلی، تجربی، علمی، و حیانی و عرفانی است که اندیشه بر آن‌ها بنا می‌گردد.
- ۵- **اهمیت:** منظور ما از اهمیت این است که اندیشه‌ای به لحاظ تشخیص عقلایی انسان‌های دارای عقل سلیم، فایده و ارزش پژوهش و بررسی را داشته باشد، بدین معنا که برای ما «مهم» باشد و مفید فایده‌ای در تشخیص نظر یا راهنمایی عمل باشد.

اندیشه نظامی

اندیشه نظامی را هرگونه تفکر و تأمل درباره امر و رأی نظامی دانسته‌اند (جمشیدی، ۱۳۸۳: ۲۹). تفکری منسجم، موجه، اصولی، مهم و دارای چارچوب است که به بررسی مسئله بقای مادی و معنوی یک جامعه در مقابل خطرات و تهدیدات با توسل به قوه قهریه و صالح و در جهت نیل به امنیت و تأمین منافع آن می‌پردازد (جمشیدی، ۱۳۸۳: ۲۹).

اما اگر بخواهیم تعریفی خاص و یا معرفت‌شناسانه از آن ارائه دهیم باید بگوییم که اندیشه نظامی، اشاره به مجموعه عناصر و اجزای نظام‌مندی دارد که در یک منظومه منسجم گرد هم آمده‌اند و در راستای تعریف مفهوم امنیت به مقابله با شرایط و عناصر ناامنی می‌پردازد (اسدی و همکاران، ۱۴۰۱).

اندیشه نظامی تفکری است که به صورت قاعده‌مند و توأم با انسجام درون‌گفتمانی به بررسی مسأله بقای مادی و معنوی یک جامعه پرداخته تا آن را در برابر خطرات و تهدیدات نظامی خارجی



ایمن نماید و در جهت حصول به امنیت و تأمین منافع آن به چاره‌جویی بپردازد (آجلو، ۱۳۸۸: ۳). همچنین آقامحمدی اندیشه نظامی را این‌گونه تعریف می‌کند: به مجموعه‌ای از نظریه‌ها، استراتژی‌ها و تاکتیک‌هایی اطلاق می‌شود که در طول تاریخ به منظور مدیریت جنگ‌ها و درگیری‌ها توسعه یافته است. این اندیشه تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله فرهنگ، فناوری و شرایط اجتماعی و سیاسی قرار گرفته و سیر تحول آن نمایانگر تغییرات عمیق در نگرش بشر به جنگ و صلح است (آقامحمدی، ۱۴۰۳: ۴۵). به‌طور کلی اندیشه نظامی متشکل است از مبانی نظری و عقیدتی، آراء، تفکرات و تجارب نظامی و تحولات سیاسی و نظامی است.

اندیشه نظامی، مجموعه‌ای کلی از عقاید و ایده‌ها است که الهام‌بخش طراحان سیاست دفاعی و راهبرد نظامی است. اندیشه نظامی در پی یافتن پاسخی برای این پرسش اساسی است که چگونه می‌توان کشور را در برابر تهدیدهای نظامی و غیر نظامی مصون و محفوظ نگه داشت و بر دشمن پیروز شد (عسگری، ۱۳۹۱: ۳).

اندیشه نظامی را می‌توانیم مانند مثلی تصور کنیم که سه عنصر مبانی نظری و عقیدتی، تفکرات و تجارب نظامی و تحولات سیاسی و نظامی سه رأس آن را تشکیل می‌دهند (همان، ۵).

و به‌طور کلی مسائل مهم اندیشه نظامی شامل مواردی همچون:

جنگ، صلح، معاهدات نظامی، نیرو، سلاح، امنیت، دشمن‌شناسی، تهدید، فناوری، آموزش، لجستیک، رزم، طراحی عملیات رزمی، تاریخ نظامی، استراتژی (راهبرد)، تاکتیک.

هر اندیشه نظامی نیز سه بُعد دارد که عبارت‌اند از:

۱. مبانی (فرهنگی، معرفتی، اعتقادی، روشی، انسان‌شناسانه و...)
۲. مفاهیم (جنگ، صلح، نیرو، سلاح، انسان، رزم، ملت، امنیت، بقا، سیاست و...)
۳. عناصر (هنر جنگ، اصول جنگ، انواع جنگ، رابطه انسان و سلاح، هدف جنگ، رابطه سیاست و جنگ، دشمن‌شناسی)

ویژگی‌های اندیشه نظامی:

نظر به اهمیت و جایگاه اندیشه نظامی، این اندیشه نیز باید دارای ویژگی‌هایی باشد تا بتواند از کارکرد لازم برخوردار باشد؛ این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:



۱. مبتنی بر قالب‌های فکری باشد:

قالب‌های فکری به این واقعیت اشاره دارد که نگرش‌های فلسفی شناخت‌شناسانه، موجب می‌شود اندیشمند از زاویه‌ای ویژه به مباحث اندیشه‌پردازی بنگرد. تجربه نشان داده است که هر اندیشمندی بعضی از مفروض‌ها را آگاهانه یا به اقتضای نگرش فلسفی، رهیافت، روش یا ارزش‌های خود، بدیهی و مسلم می‌انگارد. این امور همان قالب‌های فکری هستند که در شکل‌گیری اندیشه‌های نظامی مؤثرند.

۲. مبتنی بر خلاقیت ذهنی باشد:

اندیشه نظامی نمی‌تواند تکرار مباحث و افکار پیشینیان باشد؛ چراکه در این صورت اطلاق اندیشه بر آن آرا، صحیح نخواهد بود؛ بنابراین اندیشمند نظامی برای تولید اندیشه نظامی، باید از خلاقیت ذهنی مناسبی برخوردار باشد تا با به کارگیری قالب‌های فکری و استفاده از تجارب، اندیشه‌ای نوین را طرح نماید.

۳. کاربردی باشد:

اندیشه نظامی تدوین می‌شود تا مورد استفاده علمی قرارگیرد، در غیر این صورت در بهترین حالت بیانگر فلسفه نظامی خواهد بود. اندیشه نظامی باید قابلیت اجرایی داشته باشد.

۴. متناسب باشد:

از شرایط اصلی اندیشه نظامی متناسب بودن آن اندیشه با شرایط، داشته‌ها و نیازها است. اگر اندیشمند نظامی در اندیشه‌پردازی خود به قابلیت، توانایی و نیازها توجه نداشته باشد به احتمال فراوان نتیجه تلاش‌های او، اندیشه‌هایی عقیم و نامناسب خواهد بود. از دیگر تناسب‌ها آن است که اندیشه نظامی باید متناسب با امور نظامی باشد.

۵. نظام‌مند باشد:

هر اندیشه‌ای باید نظام‌مند باشد؛ به عبارت دیگر، اجزای هر نظام اندیشگی (ذهنیت اندیشمند) باید به لحاظ ماهیت و کارکرد دارای سازگاری باشند، به عبارت دیگر می‌توان گفت: اندیشه‌های نظامی لیبرال در یک جامعه با ماهیت و ساختارهای مذهبی، واجد کارکردهای قابل قبول نخواهد بود (جعفری، ۱۳۹۵: ۳۹ و ۳۸).



عوامل مؤثر در شکل‌گیری اندیشه نظامی

اندیشه نظامی نتیجه ترکیبی از عوامل متعدد است که به شکل‌گیری استراتژی‌ها، تاکتیک‌ها و نظریات نظامی کمک می‌کنند. این عوامل شامل مؤلفه‌های تاریخی (تجربیات جنگ‌های گذشته: تاریخ جنگ‌ها و موفقیت‌ها و شکست‌های نظامی)، فلسفی (ماهیت جنگ: دیدگاه‌های فلسفی درباره ماهیت جنگ، نقش قدرت و مشروعیت استفاده از زور)، سیاسی (رابطه میان جنگ و سیاست)، اجتماعی، اقتصادی (منابع مالی و اقتصادی) و فناوریانه (پیشرفت‌های نظامی و تسلیحاتی) هستند که هرکدام به نحوی در تکامل اندیشه نظامی تأثیر دارند (آقامحمدی، ۱۴۰۳: ۹۸ تا ۱۰۳).

مراحل شکل‌گیری اندیشه نظامی

اصولاً نظریه‌ها و اندیشه‌های نظامی نظریه‌پردازان و اندیشمندان در تاریخ یکباره ایجاد نشده‌اند؛ بلکه نظریه‌پردازان یا اندیشمندان در شکل دادن به اندیشه یا نظریه‌ی خود مراحل چندی را طی کرده‌اند. این مراحل کم و بیش در میان بسیاری از متفکران و نظریه‌پردازان یکسان است و این مراحل عبارت است از:

الف - مرحله مشاهده‌ی بحران و مشکل در درون جامعه:

نظریه‌پردازانی از جمله توماس اسپرگیز^۱ در کتاب ارزشمند «فهم نظریه‌های سیاسی» اظهار می‌دارند اولین مرحله شکل‌گیری یک نظریه سیاسی همان مشاهده بحران در جامعه است و نظریه‌پردازان بزرگی همچون افلاطون، ژان ژاک روسو، جان لاک، مارکوزو^۲، کار خود را با آن شروع کردند و به عنوان مثال سن تزو^۳ زمانی که جامعه چنین گرفتاری بحران سیاسی و نظامی است و این عامل (بحران) باعث شد کتاب هنر جنگ را به نگارش در بیاورد که به عنوان یک کتاب مرجع و اندیشه نظامی در طول تاریخ است.

ب- مرحله‌ی تشخیص و علل آن

نظریه‌پردازان و اندیشمندان با مشاهده، مطالعه و بررسی بحران، بی‌نظمی و مشکلات جامعه خویش، درد و مشکل اساسی را تشخیص می‌دهد. کار اندیشمندان شبیه کاریک پزشک است، بعد از مشاهده‌ی بیمار و بیماری به تشخیص درد و علت آن می‌پردازد. به عنوان مثال روسو معتقد است که نهادهای اجتماعی ضرورت‌شناسی از عواملی هستند که انسان را از آزادی و برابری طبیعی و خدادادی دور کرده‌اند.

1. Thomas Spriggins

2. Jean-Jacques Rousseau, John Locke, Marcuse

3. Sun Tzu



ج- مرحله‌ی ارائه راه حل و درمان

در این مرحله اندیشمندان پس از درک مشکل و علت یا علل اساسی آن به دنبال ارائه‌ی راه حل متناسب با علت یا علل آن مشکل و بحران هستند؛ برای مثال افلاطون به دنبال مشاهده بحران اجتماع آن روز جامعه یونان و بررسی علل آن به این راه حل می‌رسد که: مفاسدی که شهرها را تباه می‌کند، بلکه به عقیده من به طور کلی مفاسد بشر هرگز نقصان نخواهد یافت، مگر آنکه شهرها یا آنان که هم اکنون عنوان پادشاهی و سلطنت دارند به راستی در سلک فلاسفه در آیند و نیروی سیاسی یا حکمت توأمان در فرد جمع شود.

د- مرحله ارائه‌ی الگوی جامعه بازسازی و نوشته

در این مرحله که فقط برخی از اندیشمندان آن را مطرح ساخته‌اند و در حوزه‌ی امور نظامی هم کمتر عنوان شده است، نظریه پردازی یا اندیشمند به ارائه نمونه یا تصویر از جامعه جدید خود که جامعه مطلوب و بازسازی شده است می‌پردازد و نمونه‌ای را خواه در عالم خارج و جهان واقعیت یا در عالم ذهن ارائه می‌کند که می‌توان جامعه‌ی بحرانی را نظیر و مانند آن ساخت (جمشیدی، ۱۳۸۳: ۴۹-۴۶).

دوران باستان

در دوران باستان، اندیشه نظامی عمدتاً تحت تأثیر نیاز به دفاع از سرزمین و منابع و امنیت است. این عوامل در شکل‌گیری اندیشه نظامی که باعث توسعه استراتژی‌های نظامی و تاکتیک‌های جنگی گردیده است، اثرگذار بوده‌اند. برای مثل آثار مهمی مانند «هنر جنگ» سون تزو در چین به تحلیل و تبیین اصول جنگ و فرماندهی می‌پردازد. این آثار به عنوان مبنایی برای تفکر نظامی در قرون بعدی شناخته می‌شوند.

۱. افلاطون^۱

افلاطون جنگ را منشأ افزایش نیازهای جامعه و تلاش در جهت حرص، ولع و زیاده‌روی می‌داند. لذا وجود جنگ‌ها نشانه بیماری جامعه است و امری مطلوب در جامعه نیست. این است که افلاطون جنگ را چیز خوبی نمی‌داند؛ بلکه آن را بد دانسته و به‌ویژه با خونریزی و کشتار مخالف است. دیدگاه افلاطون در مورد جنگ پاسخ به دو مسئله اساسی در اندیشه نظامی یونان است:

1. aflatun

نشریات علمی دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (علیه‌السلام)



۱. پاسخ به نظریه جنگ برای سرزمین و توسعه طلبی، زیرا از دیدگاه وی جنگ برای توسعه طلبی محکوم است.

۲. پاسخ به اندیشه تحقق جنگ برای غنیمت، غارت و گرفتن برده که در یونان رایج بود و افلاطون آن را نیز محکوم می نماید؛ بنابراین نگاه افلاطون به جنگ شاید به یک معنا جنگ دفاعی باشد. در نگاه او دومین رکن جامعه را جنگاوران یا سپاهیان تشکیل می دهند که مظهر شجاعت (سینه جامعه) هستند و حافظ و نگهبان جامعه می باشند. در نگاه او نظامیان و جنگاوران باید تحت تربیت خاص قرار گیرند تا توانایی لازم را به دست آورند. همچنین در نگاه او نیروهای نظامی باید دارای ثروت و زن مشترک باشند بنابراین برای نظامیان و قائل به کمونیسم خانوادگی و اقتصاد بوده است (زهدي، ۱۴۰۳: ۲۳).

۲. ارسطو^۱

از نظر ارسطو اصل وجود جنگاوران و نظامیان برای حفظ جامعه لازم است و او در این مسئله تفاوتی با افلاطون ندارد؛ بنابراین یکی از گروه های اصلی جامعه مورد نظر او سپاهیان می داند؛ اما وی با زندگی اشتراکی نظامیان مخالف است. او آموزش و آمادگی نیروهای نظامی را موجب بازدارندگی می داند. در نگاه او:

«پاسداران شهر نیز باید همیشه علاوه بر وسایل کهنه، در پی کشف وسایل و دستگاه های تازه نظامی باشند. هیچ کس پروای آن را ندارد که به دشمن آماده برای دفاع حمله کند»

۳. اسکندر مقدونی^۲

در کنار شجاعت، شهامت و کاردانی، وی دارای جاه طلبی زیاد از حد، حس انتقام جویی از پارسیان، تلاش برای دستیابی به ثروت های آسیا و آباد کردن مقدونیه بوده و توجه به فرهنگ یونان داشت که او را بر آن داشت که با حملات خود دنیای آن روزگار را دچار وحشت و ناامنی سازد. آمده است که بر قبر اخلیس قسم یاد کرد مبارزه ای را که در تروا بین آسیا و اروپا شروع شده با موفقیت به آخر برساند. به لحاظ نگرش نظامی و استراتژیک وی جنگ همراه با نهایت سرعت، خشونت و رفتار غیر انسانی را مطرح می کرد. روش جنگ او مبتنی بر وحشت و ایجاد رعب و وحشت و ویرانی شدید بود (همان: ۲۶ و ۲۷).

1. Aristotle
2. Alexander the Great



۴. سون تزو^۱

معروف‌ترین اندیشمند نظامی در چین باستان سون تزو است. کتاب «هنر جنگ» وی، اندیشه نظامی و سنت نظامی چین را از حدود پنج قرن پیش از میلاد هماهنگ با فلسفه کنفوسیوسی تا دوران معاصر هدایت می‌نماید.

• مؤلفه‌های کلی اندیشه نظامی سون تزو در ارتباط با هنر جنگ عبارت‌اند از:

۱. برتری عقل و خرد بر ماده؛
۲. برتری تدبیر و اراده بر ابزار و سلاح؛
۳. جنگ یک موضوع عقلانی، منطقی و یک واقعیت یا یک پدیده اجتماعی قانونمند است؛ بنابراین جنگ امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر و غیرقابل انکار است؛
۴. رابطه جنگ و سیاست. سون تزو جنگ را یک امر عقلانی می‌داند و جایگاه آن را در درون سیاست قرار می‌دهد. از این رو جنگ که از نظر او ابزار عقلانی سیاسی است، در پایان سیاست قرار می‌گیرد؛
۵. (هدف) حمله به دشمن نیست، بلکه هدف اصلی شکست دادن اوست (سن تزو).

قرون وسطی

در این دوره، جنگ‌ها به شدت تحت تأثیر مذهب قرار داشتند. جنگ‌های صلیبی و جنگ‌های داخلی در اروپا نمونه‌هایی از این تأثیر هستند. همچنین، توسعه فنون نظامی و استفاده از سلاح‌های جدید مانند کمان و توپخانه به تغییر در استراتژی‌های نظامی انجامید. این دوره شاهد ظهور نظام‌های فئودالی و تأثیر آن بر ساختارهای نظامی بود. پیشرفت اسلام در اروپا باعث شد مسیحیت موجودیت خویش را در خطر ببیند و به تدریج اروپاییان با آیین اسلام و تعالیم روح‌بخش آن آشنا می‌شدند. این عواملی که باعث تأثیر اندیشه‌های اسلامی در غرب و جهان مسیحی شد، زیاد است. ویل دورانت^۲ این عوامل را به شرح بیان می‌کند: بازگانی و جنگ‌های صلیبی، ترجمه هزاران کتاب از عربی به لاتین، مسافرت‌های دانشورانی از قبیل ژرسمایکل اسکات و ادلاریابی^۳ به اسپانیا و ارتباط هر روزه مسیحیان با مسلمان در مصر و شام و همچنین اطلاعات نجومی مسیحیان را افزایش داده و اعتقاد به کروی بودن زمین را محفوظ داشت و از طرفی این عوامل عبارت است از: الف- آندولس مسلمان

1. Sun Tzu

2. Will Durant

3. Jersey, Michael Scott and Adelariabi



ب- فتح سرزمین گشایی مسلمانان ج- اروپا و جنگ‌های صلیبی د- تأثیر علوم و تمدن و هنر اسلامی (جمشیدی: ۱۳۸۳، ۴۸۶ تا ۴۹۳).

۱. سن توماس^۱ یا توماس قدیس یکی از کشیشان معروف کلیسا و از رهبران روحانی و فقهای آیین مسیح است. او نظریه‌ی آگوستین قدیس را به صورت واضح و مبرهن مطرح ساخته است. او همچنین عنوان «جنگ عادلانه» را - برای مقابله با دشمنان دین و عدالت و فساد - به کار می‌برد و در تبیین چنین جنگی شرایطی را مطرح می‌سازد که با تحقق آن‌ها در یک جنگ می‌توان آن را جنگ عادلانه و دادگرانه نامید.

۲. ریمون دواژیل^۲ یکی از مقامات مذهبی فرانسه و راهب قانونی کلیسای «پویی» (puuy) بوده است. او نیز به هواخواهی جنگ مذهبی برخاسته و چون آگوستین و توماس قدیس از جنگ در راه مذهب و کلیسا به شدت دفاع و حمایت کرده است. او چنین جنگی را توانمندی خدایی به حساب آورده است. مهم‌تر از همه اینکه در چنین جنگی از دید وی هرگونه کشتاری روا و تحسین‌برانگیز است.

دوران رنسانس

تعریف رنسانس عبارت است از کشف مجدد اعصار کهن بت پرستی یا چنانکه از نام این نهضت پیداست نوزایش آن فرهنگ باستانی بود که در مقابل نفوذ مسیحیت برای قرن‌ها در سکوت و بی‌حرکتی مانده بود (جمشیدی، ۱۳۸۳: ۵۳۱). در رنسانس «اومانیزم» تبدیل به بنیان همه نگرش‌ها شد و همه آراء و دیدگاه‌ها جنبه انسانی و اومانیزستی یافتند. یکی از ابعاد نگرشی بشر غربی که در این دوران جنبه انسانی و اومانیزستی محض - غیر دینی و مقدس - یافت؛ نگاه به مسئله جنگ و مبارزه و رزم بود. از این رو، جنگ مذهبی در این دوران به تدریج اعتبار خود را از دست می‌دهد و تبدیل به ابزاری برای ایجاد ملت‌ها و ثبات و پایداری حکومت‌ها می‌گردد. کلیساها از عرصه جنگ خارج می‌شود و دولت‌ها و حکومت‌ها جای آن را می‌گیرند. سربازان دین به تدریج تبدیل به سربازان پادشاه و سپس سربازان ملت می‌گردند. در کتاب سیر تحول اندیشه نظامی، آقای جمشیدی معتقد است که پایه و اساس و ریشه رنسانس را تأثیر تمدن اسلامی بر غرب می‌داند که دلیل آن به تفکرات (آلبرت کبیر، توماس اکویناس، یواخیم فیوره)^۳ که شاگردان با واسطه تمدن اسلامی بودند و عمده‌ی مباحث نظری و عقلی خود را از فلاسفه اسلامی

1. Saint Thomas

2. Raymond Douage

3. Albert the Great, Thomas Aquinas, Joachim Fiore

اخذ کرده‌اند و از طرفی جنگ‌های داخلی انگلستان، فرانسه و آلمان و سایر دولت‌های غربی باعث شکل‌گیری اندیشه نظامی در این دوره گردیده است

با پیشرفت‌های علمی و فناوری در دوران رنسانس، اندیشه نظامی نیز دچار تحول شد. استفاده از سلاح‌های گرم و توپخانه به تغییر در تاکتیک‌های جنگی انجامید. اندیشمندان مانند ماکیاوولی^۱ به بررسی ابعاد سیاسی و اجتماعی جنگ پرداختند و تأثیرات آن را بر جامعه تحلیل کردند. این دوره به عنوان نقطه عطفی در تحول اندیشه نظامی شناخته می‌شود.

۱. نیکولو ماکیاوولی (۱۴۶۹-۱۵۲۷ م) به عنوان یک اندیشمند سیاسی - نظامی به نقش اساسی و قطعی قدرت نظامی و جنگ در اداره‌ی سیاسی جامعه و ارتباط دقیق و نزدیک این دو توجه دارد؛ وی در کتاب‌های «شهریار»^(۲) (the prince)، «هنر جنگ»، «گفتارها»^(۳) (discoures)، «اصول» و «تاریخ فلورانس» به بررسی ارتباط میان قدرت نظامی و سیاست و اداره‌ی جامعه می‌پردازد. از نظر او جنگ ابزاری در پایان سیاست و یا صرفاً برای رسیدن به صلح نیست، بلکه خود ابزاری برای رسیدن به قدرت و حفظ و گسترش آن است. چنین نگرشی به پیدایش قدرت‌های مطلقه و استبدادی در غرب انجامید و نقش شمشیر در اداره‌ی جامعه نیز افزایش یافت.

۲. هوگو گروسیوس^۴ (۱۵۸۳-۱۶۴۵ م) حقوقدان و صاحب نظر هلندی است که جنگ از نگاه ایشان نه یک امر مذهبی یا مقدس که یک امر معمولی و این جهانی است و در جهت تأمین حفظ جان انسان، «بقای او» و «تسلط او بر طبیعت» صورت می‌گیرد. بر این اساس، محاور اصلی جنگ را بقای وجود انسان تشکیل می‌دهد. او می‌گوید، اساس جنگ هدف است و در مورد هدف و رابطه‌اش با جنگ می‌گوید: «جان انسان بالاترین هدف مورد توجه است».

۳. ژان ژاک روسو^۵ (۱۷۱۲-۱۷۷۸). از دیدگاه روسو جنگ ذاتاً و فی نفسه هیچ‌گونه «حقی» برای طرفین نبرد ایجاد نمی‌کند؛ نه حق بردگی و نه حق تصرف، نه حقی برای ارباب و نه حقی برای پیروز؛ بلکه در نگاه وی حقوق مربوط به بردگی و تصرف هر دو ظالمانه و غیرانسانی هستند. حقوقی که در اثر جنگ به وجود می‌آیند در واقع همان حقوقی هستند که جنگ برای تحقق آن‌ها صورت گرفته است. از این لحاظ ژان ژاک روسو در پی «انسانی کردن جنگ و مبارزه» است (زه‌دی: ۱۴۰۳).

1. Machiavelli
2. the Prince
3. Discourses
4. Hugo Grotius
5. Jean-Jacques Rousseau



قرن نوزدهم و بیستم

جنگ جهانی اول و دوم منجر به تغییرات عمده‌ای در اندیشه نظامی شد. استراتژی‌های جدیدی مانند جنگ‌های متحرک و جنگ‌های هوایی به وجود آمدند. همچنین، پیشرفت‌های فناوری مانند رادار، موشک‌ها و سلاح‌های هسته‌ای به تغییر در رویکردهای نظامی انجامید. این دوره شاهد ظهور نظریه‌های جدیدی در زمینه جنگ و صلح بود.

اندیشه نظامی قرن نوزدهم را شاید بتوان تحت تأثیر تحولات علمی و تجربی و انسان‌گرایی عصر رنسانس روشنگری یعنی قرن زایش اندیشه‌های نظامی - سیاسی دانست. در این میان اندیشه‌های نظامی ماکیاوولی، گروسوس و ژان ژاک روسو را می‌توان مهم‌ترین عامل مؤثر بر اندیشه‌های سیاسی و نظامی قرن نوزدهم میلادی دانست. در این دوره تقریباً یکصد و سی ساله، به لحاظ اندیشه و تحولات نظامی؛ غرب دارای توسعه و پیشرفت بوده است و متفکرینی چند در این عرصه ظهور کرده‌اند که برای نمونه می‌توان از کلاوزوتیس ژومینی^۱ و ... نام برد. در اینجا ابزار نظامی و جنگ به عنوان یک ابزار در خدمت تمدن غرب راه تحقق سلطه غرب و سرمایه‌داری را در جهان فراهم می‌سازد (زهدی: ۱۴۰۳).

۱. کانات^۲ (۱۸۰۴-۱۷۲۴ م)

در دیدگاه او جنگ دارای خصوصیات زیر است:

۱. جنگ ذاتاً شر و بد است. او در بندی از کتاب خود جنگ را سرچشمه همه شرها و تباهی‌های اخلاقی می‌داند.
 ۲. جنگ «ضد قانون» است.
 ۳. جنگ نامعقول است، حتی در شرایط اضطراری و ناگزیر.
 ۴. در شر بودن و ضد قانونی بودن و نامعقول بودن تفاوتی بین انواع جنگ (جنگ عادلانه، جنگ تنبیهی و جنگ تجاوزکارانه) نیست.
- پس اگر جنگ دارای خصایص فوق است. تنها راه صحیح جلوگیری از آن و حذف است (زهدی: ۱۴۰۳).

1. Clausot, Zomini

2. kanat



۲. اندیشه نظامی ناپلئون^۱ (۱۸۰۸ م-۱۸۷۳ م)

ناپلئون یک سردار نظامی برجسته است که تعداد نبردهایش - که تقریباً در همه آن‌ها - جز در آخرین یعنی نبرد واترلو پیروزی نصیب قوای او گردید، به حدود ۳۰ نبرد می‌رسد که با ایتالیا، اتریش، پروس، هلند، انگلستان، مصر، شام و روسیه صورت گرفته است و به امپراتوری ناپلئون و گسترش ارضی فرانسه و بوجود آمدن ایدئولوژی بناپارتیسم، انعقاد قرارداد وین ۱۸۱۵ م و بازگشت فرانسه به وضعیت پیش از این جنگ‌ها منجر شد.

به کارگرفتن اصولی چون مانور، احاطه، سرعت، تهاجم آنی و یک‌باره بردشمن، باعث پیروزی او در سه نبرد در خاک اروپا در سال‌های (۱۸۰۵، ۱۸۰۰ و ۱۷۹۶ م) گردید.

نبردهای او متکی بر اصل تأمین روحیه و ایجاد انگیزش در نیروها، اصل مانور، اصل سرعت، اصل انضباط، اصل نهان‌سازی و اصل نهایت بکارگیری قدرت و شجاعت و نیز خستگی‌ناپذیری در میدان نبرد بود؛ این اصل‌ها مهم‌ترین عوامل موفقیت او در این نبردهاست.

در کنار مراعات این اصول چندگانه و به‌کارگیری راهبردهای مبتنی بر «تهاجم سریع و آنی و یکپارچه، به قوای دشمن» و «طرز حرکت خطوط داخلی» و «حمله جدا به اجزای پراکنده خصم» و ... می‌توان به مواردی چون روحیه انقلابی سربازان فرانسوی، شجاعت و همت بلند فرماندهان آن‌ها، کارکشتگی، تجربه و ورزیدگی افراد لشکر نیز اشاره کرد. داوطلب بودن سپاهیان در دوره‌های اولیه نبرد نیز بی‌تأثیر در این پیروزی‌ها نبود.

۳. اندیشه نظامی فون کلاوزویتس^۲ (۱۸۳۱ م-۱۷۸۰ م)

یکی از بزرگ‌ترین اندیشمندان و راهبرگرایان غرب «کارل فون کلاوزویتس» است به گونه‌ای که او را «مهم‌ترین نظریه‌پرداز جنگ در عصر مدرن» دانسته‌اند.

وی در تعریف جنگ می‌گوید:

«جنگ چیزی نیست مگر دوئل در مقیاسی بزرگ‌تر. جنگ از دوئل‌های بی‌شماری تشکیل شده است... [که] هر طرف سعی دارد با اعمال نیروی فیزیکی، اراده‌اش را بر طرف دیگر تحمیل کند... بنابراین،

1. Napoleon

2. Clausewitz



جنگ عبارت است از اعمال نیرو برای تحمیل اراده‌ی ما بر دشمن. نتیجه اینکه، نیرو ابزار جنگ است؛ مقصد آن تحمیل اراده‌ی ما بر دشمن است. برای تأمین آن مقصد ما باید دشمن را ناتوان سازیم ...»

در دیدگاه او جوهره اساسی جنگ از چند عنصر تشکیل می‌شود:

۱. رویارویی دو اراده برای غلبه‌ی یکی بر دیگری.
 ۲. استفاده از نیروی فیزیکی برای رسیدن به هدف.
 ۳. حداکثر استفاده از نیرو برای تأمین هدف
 ۴. بی‌دفاع ساختن حریف.
 ۵. هدف جنگ، همیشه غلبه بر دشمن یا خلع سلاح اوست.
 ۶. غلبه‌ی همیشگی بر دشمن یا خلع سلاح او به عنوان هدف اصلی جنگ.
- پس نتیجه می‌گیریم که هدف جنگ همیشه باید غلبه بر دشمن یا خلع سلاح او باشد (جمشیدی: ۱۳۸۳: ۶۰۷-۶۰۲).

۴. اندیشه نظامی آدولف هیتلر^۱ (۱۹۴۵ م-۱۸۸۹ م)

آدولف هیتلر را به معنایی می‌توان ادامه مکتب انگلیسی، آلمانی، جغرافیایی و ژئوپلیتیک در عرصه امور و اندیشه‌های سیاسی و نظامی دانست. او با تکیه بر عنصر مورد توجه ایده آلیسم آلمانی از یک سو و ملیت و نژاد مورد پذیرش لودندورف و فیشتنه از سوی دیگر، توجه به برتری نژاد و ملیت آلمان را مورد تأکید شدید قرار داد. برای تحقق چنین امری یعنی تحقق این برتری در عرصه قدرت، نظریه‌های مکیندر و ماهان و هووفر^۲ آزمون خوبی بودند. بنابراین هیتلر نیز قائل به برتری منطقه‌ای بود که در نگرش ماهان و مکیندر «قلب جهان» نامیده شده بود و با تسلط بر آن می‌شد بر تمام جهان تسلط پیدا کرد. این منطقه جزایر پای شرقی و خاور میانه نبود. بنابراین هیتلر سلطه بر این منطقه را از اهداف مهم آلمان تلقی کرد

۵. اندیشه نظامی ماکس^۳

مارکس جنگ را به‌طور کلی به عنوان موضوعی ذاتاً غیرعقلانی یا شرارت‌آمیز رد نمی‌کند. پس اصل «ضرورت وجود جنگ» و اصل «انسانی و اجتماعی بودن جنگ» در آیین مارکسیسم

1. Adolf Hitler

2. Mackinder and Mahan and Hoover

3. Marx



پذیرفته شده است. در نظر آن‌ها «جنگ یعنی زدو خورد با وسایل مختلف در میدان‌های مختلف» (جمشیدی، ۱۳۸۳: ۶۱۲ تا ۶۱۵).

دوران معاصر

در دهه‌های اخیر، با رشد و پیشرفت تسلیحات به ویژه تسلیحات آتش‌بار و اطلاعات، استراتژی هسته‌ای جنگ‌های نامتقارن و تروریسم به چالش‌های جدیدی برای اندیشه نظامی تبدیل شده‌اند. جهانی‌سازی و ارتباطات بین‌المللی به تغییر در استراتژی‌های نظامی و همکاری‌های بین‌المللی انجامیده است. امروزه، اندیشه نظامی به سمت رویکردهای چندجانبه و دیپلماتیک حرکت کرده است. لذا اندیشه نظامی این دوران در اروپا و آمریکا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. اندیشه نظامی ماهان^۱ (۱۹۱۴م-۱۸۴۰م)

«آلفرد تایرماهان^۲» که از دریا سالاران آمریکایی بود، با سه کتاب «تأثیر قدرت دریایی بر تاریخ»، «تأثیر قدرت دریایی بر انقلاب و امپراتوری فرانسه» و «زندگی نلسون»، استراتژی نیروی دریایی را در قلمرو ژئوپلیتیک به کمال رساند. از دیدگاه «ماهان»، شرط اصلی برای ایجاد یک قدرت جهانی، کنترل بر دریاهاست. آن دولتی در جنگ‌های بین‌المللی، برگ برنده را در دست دارد که صاحب بزرگ‌ترین ناوگان دریایی باشد. دولت انگلستان، با توجه به ویژگی «جزیره‌ای بودن» و در دست داشتن نقاط استراتژیک دریایی «تنگه‌ی جبل الطارق، کانال سوئز، دماغه هورن، هنگ‌کنگ، سنگاپور و تنگه‌ی ماژلان» و صاحب عظیم‌ترین قدرت دریایی، توانست در عصر استعمار، بزرگ‌ترین امپراتوری جهانی (بریتانیای کبیر) را ایجاد کند. این نمونه‌ای بود که ماهان بر آن تأکید زیادی داشت و سیاستمداران آمریکایی را به پیروی از چنین الگویی، تشویق می‌کرد.

از نظر ماهان شش عامل اصلی در قدرت دریایی مؤثر است، که عبارت‌اند از:

۱. موقعیت جغرافیایی؛ به مفهوم وضعیت نسبی به دریا است: این کشورها می‌توانند با کمک نیروی دریایی خود قلمرو هر دشمن احتمالی را تهدید کنند؛
۲. شکل زمین؛ توجه به بریدگی و بنادر و ...؛
۳. وسعت؛ توجه به خطوط ساحلی کشورها ...؛

1. Mahan

2. Alfred Tire Mahan



۴. جمعیت؛

۵. خصایص ملی؛

۶. سیاست دولت.^۱

۲. اندیشه نظامی لیدل هارت^۲ (۱۸۹۵ م-۱۹۷۰ م)

لیدل هارت علاقه شدیدی به دوایده‌ی اساسی داشت:

۱. تاریخ نظامی.

۲. جنگ مکانیزه و نیروی هوایی.

این علاقه باعث شد که او در آخر دهه‌ی ۱۹۲۰ م کتاب معروف خود به نام «استراتژی: رهیافت غیر مستقیم» را به رشته تحریر درآورد. لیدل هارت در این کتاب، نظریه‌ی استراتژی عمومی خود را عرضه کرد که تحت عنوان رهیافت غیر مستقیم بود: "رهیافت غیر مستقیم عبارت از کوشش برای تضعیف هر نوع مقاومت، قبل از اقدام به درهم شکستن آن است" (جمشیدی: ۶۸۷).

۳. اندیشه نظامی مکیندر^۳ (۱۸۶۱ م-۱۹۷۴ م)

«سر هالفورد مکیندر^۴»، متفکر ژئوپلیتیک انگلستان، با نظریه «هارتلند^۵» که به معنای قلب یا مرکز زمین است، تأثیر مهمی در سیاست، سیاست جغرافیایی و اندیشه نظامی بر جای گذاشت. کتاب‌های «محور جغرافیایی تاریخ» ۱۹۰۴ و «حقیقت و آرمان‌های دمکراتیک» حاوی نظریات «مکیندر» در خصوص بزرگ‌ترین استراتژی و راهبردی جهانی است. او قاره‌ی اروپا، آسیا و آفریقا را به عنوان بزرگ‌ترین «جزیره‌ی جهانی» می‌داند.

از دیدگاه او، «هارتلند» عبارت است از منطقه گسترده‌ای که از شرق به سیبری غربی، از غرب به رودخانه «ولگا» در روسیه، از شرق به سیبری غربی، از شمال به اقیانوس منجمد شمالی و از جنوب به ارتفاعات هیمالیا، ایران و مغولستان محدود می‌گردد. این منطقه شامل ارتفاعات جنوب غربی ایران و ارتفاعات جنوب شرقی مغولستان نیز می‌گردد. البته در تحقیقات بعدی مکیندر، جهت «هارتلند» به سمت غرب متمایل شد و تمام اتحاد جماهیر شوروی (سابق) را در بر گرفت (جمشیدی: ۶۸۰).

1. Government.

2. See you later.

3. Mackinder

4. Halford Mackinder

5. Heartland



۴. اندیشه‌های نظامی معاصر در ایالات متحده‌ی آمریکا

الف - دیدگاه نظامی دالاس^۱ (۱۸۸۸ م-۱۹۵۴ م)

نظریه‌ی «استراتژی انتقام‌گیری گسترده» توسط جان دالاس و در دوران بازدارندگی و به اصطلاح با هدف و مقصد آزادسازی ملت‌های تحت سلطه‌ی کمونیسم ارائه گردید و هدف آن نیز این بود که با تبلیغات و حمایت از ناراضیان، بلوک شرق را از درون متلاشی کند.

استراتژی‌های هسته‌ای؛ این استراتژی‌ها با توجه به مسئله‌ی بمب اتمی و کاربرد آن در دوران جنگ سرد تدوین گردید و بیانگر کاربرد نتایج توسعه‌ی سلاح‌های اتمی در خدمت استراتژی و امور نظامی و سیاسی بود (جمشیدی: ۶۹۳).

ب- آرای نظامی تیلورکسینجر^۲

تیلوربا استراتژی حمله متقابل هسته‌ای مخالفت ورزید و در عوض، استراتژی «واکنش انعطاف‌پذیر» را ارائه کرد. کسینجر با توسعه‌ی آن به نوعی از جنگ انتقام‌جویانه توجه داشت که قابلیت تحرک بیشتری داشته باشد و نیز فقط به «جنگ محدود» ختم نشود. وی معتقد بود:

«حتی اگر آمریکا بتواند از خطر نابودی همه‌جانبه جلوگیری کند، ولی امکان مبادرت حریف به شروع جنگ نامحدود و گسترده را از بین نبرد، باز تهدید پابرجاست و خطر وجود دارد».

در تفکر کسینجر و حامیان‌اش، استراتژی جنگ همه‌جانبه، در تقابل با دشمن اصلی متمرکز می‌گشت (جمشیدی: ۶۹۴).

ج- ریگان^۳

استراتژی یا راهبرد «جنگ ستارگان» از سوی رونالد ریگان به عنوان یک تصمیم استراتژیک در سال ۱۹۸۳ م بدون مشورت با هم‌پیمانان اروپایی ایالات متحده اتخاذ شد که بیانگر یک برنامه‌ی دفاع استراتژیک بود و از سال ۱۹۸۰ م و قبل از ریاست جمهوری ریگان طرح‌ریزی شده بود. هرچند این برنامه امروزه تغییر اساسی کرده است، اندیشه‌ی استراتژی آمریکا در این دوران، علاوه بر موارد بالا، «استراتژی

1. Dallas

2. Taylor and Kissinger

3. Reagan



بازدارندگی» را نیز مورد توجه قرار می داد که تقریباً همراه با «استراتژی دفاع استراتژیک» و حذف و تحدید سلاح های هسته ای تا پایان جنگ سرد ادامه یافت (جمشیدی، ۱۳۸۳: ۶۹۵-۶۹۴).

تجزیه و تحلیل سیر تحول اندیشه

دوره	علل یا عوامل شکل گیری اندیشه	استراتژی اندیشمندان این دوره
باستان	تأثیر نیاز به دفاع از سرزمین و منابع و امنیت	۱- افلاطون: منشأ جنگ، افزایش نیازهای جامعه و تلاش ۲- ارسطو: اصل وجود جنگاوران و نظامیان برای حفظ جامعه لازم ۳- اسکندر مقدونی: دارای جاه طلبی زیاد از حد، حس انتقام جویی ۴- سن تزو: جنگ یک موضوع عقلانی، منطقی و یک واقعیت یا یک پدیده اجتماعی قانونمند است. بنابراین جنگ امری ضروری و اجتناب ناپذیر و غیر قابل انکار است.
وسطی	تحت تأثیر مذهب و جنگ های صلیبی و جنگ های داخلی در اروپا	۱- ریمون دو آزیل: هرگونه کشتاری روا و تحسین برانگیز است. جنگی از دید وی هرگونه کشتاری روا و تحسین برانگیز است ۲- سن توماس یا توماس قدیس: «جنگ عادلانه» را - برای مقابله با دشمنان دین و عدالت و فساد - به کار می برد.
رنسانس	۱- اوفول کلیساها از عرصه ۲- پایه و اساس وریشه رنسانس تأثیر تمدن اسلامی بر غرب	۱- نیکولو ماکیاولی: از نظر او جنگ ابزاری در پایان سیاست و یا صرفاً برای رسیدن به صلح نیست، بلکه خود ابزاری برای رسیدن به قدرت و حفظ و گسترش آن است. ۲- ژان ژاک روسو: انسانی کردن جنگ و مبارزه
قرن نوزدهم و بیستم	۱- جنگ جهانی اول و دوم ۲- پیشرفت های فناوری مانند رادار، موشک ها و سلاح ها	۱- مارکس: اصل «ضرورت وجود جنگ» و اصل «انسانی و اجتماعی بودن جنگ» ۲- فون کلاوویتس: هدف جنگ همیشه باید غلبه بر دشمن یا خلع سلاح او باشد.
معاصر	رشد و پیشرفت تسلیحات به ویژه تسلیحات آتش بار و اطلاعات، استراتژی هسته ای جنگ های نامتقارن و تروریسم	۱- ماهان: تأثیر قدرت دریایی بر تاریخ ۲- لیدل هارت: جنگ مکانیزه و نیروی هوایی ۳- مکیندر: «هارتلند» ۴- دالاس: استراتژی های هسته ای ۵- تیلور و کسینجر: واکنش انعطاف پذیر ۶- ریگان: جنگ ستارگان

نتیجه‌گیری

سیر تحول اندیشه نظامی در جهان نشان‌دهنده تأثیرات متقابل فرهنگ، فناوری و شرایط اجتماعی بر رویکردهای نظامی است. این تحول همچنان ادامه دارد و با تغییرات جهانی، نیاز به تجدیدنظر در استراتژی‌ها و رویکردهای نظامی احساس می‌شود. در نهایت، درک این سیر تحول می‌تواند به تحلیل بهتر تحولات جهانی و پیش‌بینی آینده کمک کند؛ لذا تولد و پیدایش اندیشه نظامی در تاریخ بشر از زمانی آغاز می‌شود که انسان برای بقای خود در مقابل خطرات گوناگون و برای حفظ امنیت خویش تدابیری اندیشید. تدابیری که توانست در زندگی او و نوع نگاهش به بقا و حفظ و امنیتش تغییراتی اساسی ایجاد کند. این تدابیر بشری قبل از هر چیز در باب ساخت سلاح و پیشرفت بشر در نگرش او نسبت به اولین دشمنان طبیعی‌اش یعنی حیوانات تهدیدکننده برای او آشکارا تجلی یافت. بر این اساس، اولین و مهم‌ترین تحول بشر در عرصه اندیشه نظامی ساختن وسیله رزم و وسیله جنگی یعنی سلاح بود که برای دفاع و امنیت در مقابل دشمن خود می‌دانسته است. تحول بعدی در اندیشه نظامی بشر به ابداع جنگ به عنوان یک پدیده انسانی جمعی برمی‌گردد. تبدیل نزاع‌های گروهی به جنگ به عنوان یک پدیده جمعی از بنیان‌های اساسی اندیشه نظامی بشر ماقبل تاریخ و در اوان شکل‌گیری تاریخ است. در همین راستا دیدگاه‌های مربوط به «تقدس جنگ» و تقدس جنگجویان و «خدایان» جنگ و قدرت و طوفان امثال آن‌ها مطرح گردید و گونه‌های جنگ را بشر از آن پس تدوین کرد و این‌ها از مهم‌ترین اندیشه‌های نظامی بشر در تمدن‌های اولیه است. پس از آن، انسان‌ها به سوی اندیشه ایجاد سازمان نظامی و ساختن و پیراستن نیروها حرکت کردند. آدم متمدن، پیراستن ارتش‌ها و سازمان دادن به آن‌ها و اصل آموزش، مهارت و آمادگی برای جنگ و مبارزه را وجهه همت خویش قرار داد. با ایجاد تحول در نگرش بشر نسبت به نیرو و ارتش و ضرورت سازمان دادن به آن، اهداف جنگ‌ها نیز دچار تحول اساسی گردید. جنگ‌های اولیه بیشتر با هدف کسب غنیمت، سلطه اقتصادی، سلطه سرزمینی و گسترش امپراتوری‌ها و با روش‌های دستبرد، غارت و شبیخون، ویرانی روستاها و شهرها و غالباً به صورت تهاجم و تجاوز و بدون اعلان قبلی تحقق می‌یافت.

جهت نظریه‌پردازی پیرامون جنگ در آثاری از جمله «هنر جنگ» سن تزو با شیوه خاص به استراتژی جنگ پرداخته شده و از طرفی پیشرفت اسلام در جهان به خصوص در اروپا و افول کلیسا در غرب و از طرفی انقلاب صنعتی و جنگ جهانی اول و دوم و جنگ‌های بین دولت‌های اروپا و از طرفی پیشرفت اطلاعات و تسلیحات نظامی بخصوص بمب‌های اتمی عواملی بودند که اندیشمندان همچون



ماکیاولی (جنگ ابزار سیاست)، کلاوزوینس (نظریه پرداز جنگ عصر مدرن)، هیتلر (ملیت و نژاد)، مارکس (ضرورت وجود جنگ)، مکیندر (هارتلند)، لیدل هارت (جنگ مکانیزه)، ماهان (تأثیر قدرت دریایی)، تیلور و کسینجر (حمله متقابل)، دالاس (انتقام گیری گسترده) و همچنین ریگان جنگ ستارگان که منجر به «استراتژی دفاع استراتژیک» شده است؛ این عوامل به وجود آورنده اندیشه نظامی در جهان شده است و این اندیشه ها توانسته تأثیر به سزا در سرنوشت مردم و دولت ها و همچنین کشورها داشته است. از این زمان به بعد جنگ نه تنها ابزار سلطه بر طبیعت و بر جوامع دیگر که وسیله ای برای تأمین نفسانیات انسان غربی و سلطه طلب گردیده است. امروزه جنگ و اندیشه نظامی معنایی فراگیر و گسترده یافته و از یک سو جنگ های مدرن، غیر متعارف، سلاح هسته ای و ... و از سوی دیگر نبرد روانی و جنگ نرم و ... ذهن بشر را به خود مشغول ساخته است.



الف- فارسی

۵. آجرلو، علی (۱۳۸۸). سایت باشگاه اندیشه.
۶. آقامحمدی، داود (۱۴۰۳). مطالعه تطبیقی اندیشه‌های کلاسیک و غیر کلاسیک نظامی. تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
۷. اسدی، مجید، فاطمی نسب، علی، و سلطانیان، جواد (۱۴۰۱). تبیین مبانی فکری اندیشه نظامی غرب. فصلنامه مطالعات دفاعی/استراتژیک، شماره ۹۰.
۸. جمشیدی، محمد حسین (۱۳۹۹). سیر تحول اندیشه‌های نظامی (کتاب اول) کلیات اندیشه نظامی. تهران: انتشارات دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی.
۹. جمشیدی، محمد حسین (۱۳۸۰). مبانی و تاریخ اندیشه نظامی در ایران. تهران: خدمات نشر پیام سپاس.
۱۰. جمشیدی، محمد حسین (۱۳۸۳). مبانی و تاریخ اندیشه نظامی در جهان. تهران: خدمات نشر پیام سپاس، دوره عالی جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
۱۱. جعفری، سید اصغر و همکاران (۱۳۹۵). درآمدی بر دفاع در اندیشه امام خامنه‌ای علیه السلام. تهران: چاپخانه مطهر.
۱۲. حامدی، علیرضا، ظریف منش، حسین، و باقری، مهدی (۱۳۹۹). ابعاد و مؤلفه‌های نظام آموزشی نیروهای مسلح. فصلنامه مطالعات استراتژیک، شماره ۴۵.
۱۳. زهدی، یعقوب (۱۴۰۳). سیر تحول اندیشه نظامی در جهان. تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
۱۴. سلامی، حسین، و یداله‌ی، رضا (۱۳۹۶). ارائه الگوی دفاعی حاکم بر اندیشه‌های حضرت امام خامنه‌ای علیه السلام. فصلنامه مطالعات دفاعی/استراتژیک، سال پانزدهم، شماره ۶۹.
۱۵. سون‌تزو (۱۳۹۷). هنر جنگ. مترجم مهدی سمساری، تهران: انتشارات جامی.
۱۶. عمید، حسن (۱۳۶۰). فرهنگ عمید. تهران: امیرکبیر.
۱۷. معین، محمد (۱۳۶۰). فرهنگ معین. تهران: امیرکبیر، جلد ۱.
۱۸. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۲). لغت‌نامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران.
۱۹. کارل فون کلاوویتس (۱۴۰۳). در باب جنگ. مترجم مهدی شعبانی، تهران: جقه فرهنگ.
۲۰. عسگری، محمود (۱۳۹۱). ویژگی‌ها و مؤلفه‌های کلیدی اندیشه نظامی امام خامنه‌ای. گزیده مقالات اولین همایش تبیین اندیشه‌های دفاعی امام خامنه‌ای علیه السلام، تهران: یاران شاهد.



۲۱. فرزانه، عادل، بوالحسنی، خسرو، بیک، علی اصغر، نصیری پور، غلامرضا، فیاضی، حسین، زارعی، علی حیدر، و صباغی، مهدی (۱۴۰۲). راهبردهای نظامی جمهوری اسلامی ایران در برابر تهدیدات نظامی آمریکا. *آینده پژوهی دفاعی*، ۸ (۲۹)، ۴۱-۷۲.
۲۲. میرفخرائی، هوشمند (۱۳۷۱). *درآمدی بر سیر تحول اندیشه استراتژی. فصلنامه سیاست دفاعی*، دوره ۳، شماره ۲.
۲۳. ماکیاولی (۱۴۰۳). *شهریار*. مترجم داریوش آشوری، تهران: انتشارات آگاه.

ب- انگلیسی

24. -Barro, R. J. & Lee, J. W. (2013). **A new data set of educational attainment in the world, 1950–2010.** *Journal of development economics*, 104, 184-198. Bec